ایشان نیز گواهی می‌دهد و افکار ایشان با یکدیگر یا
مَذِمَّت می‌کنند یا عذر می‌آورند،[16]در روزی که خدا
رازهای مردم را داوری خواهد نمود به وساطت عیسی
مسیح برحسب بشارت من.

یهودیان و شریعت

[17]پس اگر تو مُسَمّیٰ به یهود هستی و بر شریعت تکیه
می‌کنی و به خدا فخر می‌نمایی،[18]و ارادۀ او را می‌دانی
و از شریعت تربیت یافته، چیزهای افضل را
می‌گزینی،[19]و یقین داری که خود هادی کوران و نور
ظلمتیان[20]و مُؤَدِّب جاهلان و معلّم اطفال هستی و در
شریعت صورت معرفت و راستی را داری،[21]پس ای
کسی که دیگران را تعلیم می‌دهی، چرا خود را
نمی‌آموزی؟ و وعظ می‌کنی که دزدی نباید کرد، آیا
خود دزدی می‌کنی؟[22]و از زنا کردن نهی می‌کنی، آیا
خود زانی نیستی؟ و از بتها نفرت داری، آیا خود معبدها
را غارت نمی‌کنی؟[23]و به شریعت فخر می‌کنی، آیا به
تجاوز از شریعت خدا را اهانت نمی‌کنی؟[24]زیرا که
به‌سبب شما در میان امّت‌ها اسم خدا را کفر
می‌گویند، چنانکه مکتوب است.[25]زیرا ختنه سودمند
است هرگاه به شریعت عمل نمایی. امّا اگر از شریعت
تجاوز نمایی، ختنه تو نامختونی گشته است.[26]پس اگر
نامختونی، احکام شریعت را نگاه دارد، آیا نامختونیِ او
ختنه شمرده نمی‌شود؟[27]و نامختونیِ طبیعی هرگاه
شریعت را بجا آرد، حکم خواهد کرد بر تو که با وجود
کتب و ختنه از شریعت تجاوز می‌کنی.[28]زیرا آنکه در
ظاهر است، یهودی نیست و آنچه در ظاهر در جسم
است، ختنه نی.[29]بلکه یهود آن است که در باطن باشد
و ختنه آنکه قلبی باشد، در روح نه در حرف که مدح آن
نه از انسان بلکه از خداست.

داوری الهی

[1]لهذا، ای آدمی، که حکم می‌کنی، هر که باشی عذری
نداری زیرا که به آنچه بر دیگری حکم می‌کنی، فتوا بر
خود می‌دهی، زیرا تو که حکم می‌کنی، همان کارها را
به عمل می‌آوری.[2]و می‌دانیم که حکم خدا بر کنندگانِ
چنین اعمال بر حقّ است.[3]پس، ای آدمی، که بر
کنندگانِ چنین اعمال حکم می‌کنی و خود همان را
می‌کنی، آیا گمان می‌بری که تو از حکم خدا خواهی
رست؟[4]یا آنکه دولت مهربانی و صبر و حلم او را ناچیز
می‌شماری و نمی‌دانی که مهربانی خدا تو را به توبه
می‌کشد؟[5]و به‌سبب قساوت و دل ناتوبهکار خود،
غضب را ذخیره می‌کنی برای خود در روز غضب و
ظهور داوری عادله خدا[6]که به هر کس برحسب
اعمالش جزا خواهد داد،[7]امّا به آنانی که با صبر در
اعمال نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند، حیات
جاودانی را؛[8]و امّا به اهل تعصّب که اطاعت راستی
نمی‌کنند بلکه مطیع ناراستی می‌باشند، خشم و
غضب[9]و عذاب و ضیق بر هر نَفْس بشری که مرتکب
بدی می‌شود، اوّل بر یهود و پس بر یونانی؛[10]لکن جلال
و اکرام و سلامتی بر هر نیکوکار، نخست بر یهود و بر
یونانی نیز.[11]زیرا نزد خدا طرفداری نیست.
[12]زیرا آنانی که بدون شریعت گناه کنند، بیشریعت نیز
هلاک شوند و آنانی که با شریعت گناه کنند، از شریعت
بر ایشان حکم خواهد شد.[13]از آن جهت که شنوندگانِ
شریعت در حضور خدا عادل نیستند بلکه کنندگانِ
شریعت عادل شمرده خواهند شد.[14]زیرا هرگاه
امّت‌هایی که شریعت ندارند کارهای شریعت را به
طبیعت بجا آرند، اینان هرچند شریعت ندارند، برای
خود شریعت هستند،[15]چونکه از ایشان ظاهر می‌شود
که عمل شریعت بر دل ایشان مکتوب است و ضمیر